

حدیث ازدواج آسمانی فاطمه و علی علیهما السلام در منابع اهل سنت

□ سید شفع هاشمی *

چکیده

در مقاله‌ی حاضر، احادیث ازدواج فاطمه علیها السلام با امام علی علیه السلام و جزئیات برخی اخبار خواستگاران و پاسخ‌های رسول الله صلی الله علیه و آله در منابع اهل سنت به صورت ویژه شناسایی شد که حضرت رسول مکرم صلی الله علیه و آله برابر عموم خواستگاران عرب چنین فرمودند: همه بایستی منتظر فرمان الهی باشیم؛ ولی هنگامی که علی علیه السلام برای نشان دادن تمایل دوستی خویشاوندی با بیت مقدس شرافت و طهارت اقدام فرمود و جهت ابراز حقیقت علاقمندی همشانی، نزد مقام رسول الله صلی الله علیه و آله شرفیاب گردید، حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله برای مولا علیه السلام فرمودند: یا علی! تو همتای دخترم فاطمه هستی که از احساس موافقت و رضایت فضاء حکایت می‌کند. نیز تحقیق پیش رو با نگاه روایی خاص، برای تبیین واقعه مهم الهی - تاریخی چنین ازدواج آسمانی ضرورت دارد که جامعه اسلامی از فواید معرفت بخشی این قطعه مهم زندگی اهل بیت علیهم السلام نفع می‌یابند هم چنین تجمیع تمامی روایات موافقت و عدم موافقت حضرت صلی الله علیه و آله در حدیث ازدواج آسمانی فاطمه و علی علیهما السلام، بدین جهت محور بحث قرار گرفت تا هدف آگاهی از مقام علی و فاطمه علیهما السلام در پرتوی این پیوند آسمانی برای عموم امت میسر گردد که چگونه آغاز زندگی آنان در مشورت با فرمان وحی از سایر زندگی‌های انسانی تمایز می‌یابد. با نگاهی در احادیث آسمانی دو زوج مطهر علیهما السلام به مبحث حاضر پرداخته شد.

واژگان کلیدی: خواستگاری، انتظار، آسمانی، مشورت، عقد، دوستی. موافقت.

* فارغ التحصیل سطح سه مرکز تخصصی مذاهب اسلامی و دانشجوی دکتری جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه (رشته قرآن و حدیث).

مقدمه

بیشتر مردم در چنین گمان بسر می‌برند که بسیاری خصوصیات انحصاری حضرت فاطمه و علی علیه السلام تنها از طریق محدثان شیعه و منابع اهل بیت علیهم السلام روایت شده است و منابع غیر اهل بیت علیهم السلام به آنها نپرداخته اند اما واقعیت چنین نیست دیگران نیز برخی اوصاف یا خصوصیات علی و فاطمه علیهم السلام را در مهم ترین منابع حدیثی خویش چون شیعه نقل کرده اند که یکی از آنها حدیث مشهور ازدواج آسمانی فاطمه و علی علیهم السلام است و حکایت چنین حدیثی با درستی سند و متن از طریق متعدد در طبقات مختلف روایت شده است که شماری از صحابه به محضر رسول الله صلی الله علیه و آله رسیده از فاطمه علیها السلام خواستگاری کردند. رسول الله صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمودند: در این باره منتظر فرمان آسمانی هستم که چنین معنا دارد برای شان پاسخ منفی داد. اما زمانی که علی علیه السلام جهت خواستگاری دخت یگانه ی نبوت، به محضر حضرت صلی الله علیه و آله شرفیاب گردید و موضوع مطرح شد. حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله با آن موافقت فرمود.

طرح بحث حاضر - حدیث ازدواج آسمانی - ضرورت دارد زیرا خبر از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره دو شخصیت اهل بیت صادر شده است که هر کدام آنها زمان رسول الله صلی الله علیه و آله نسبت به امت در مرتبه دوم قرار دارند که ازدواج آنها با مشورت وحی الهی انجام گرفته است؛ این حقیقت بدون ارتباط با حکمت امتداد نسل آینده، نمی‌تواند واقع شده باشد که دوام پاکیزگی ایمان و عمل برای حفظ هدایت فرزندان و پیروان آینده اسلام ضروری است؛ از این رو بحث موضوعی در محوریت یافتن راه دوام نشر و هدایت اسلامی در پرتو چنین انتخاب آسمانی در زندگی اولین زوج اهل بیت علیهم السلام بسیار ضرورت دارد.

طرح بحث درباره گفتنی های ازدواج آسمانی فاطمه و علی علیهم السلام در منابع اهل سنت برای خوانندگان شیعه و سنی فایده دارد؛ زیرا ازدواج خانواده که به توصیه وحی تشکیل می‌شود از خصوصیت معنوی و محوریت دینی آن بین جامعه حکایت می‌نماید از این رو انسان، به صحت راه فرزندان این بیت اطمینان و اعتماد بیشتر می‌یابد همین امر از فواید زندگی در تشخیص درستی مسیر حق از غیر آن محسوب می‌شود.

تحقیق حاضر در منابع مستقل اهل سنت پیشینه‌ی ندارد یا در جستجوهای ممکن

نتوانستیم به آن دست یابیم اما عموم این مباحث در کتاب های متفرق و باب های مجزاء مطرح شده است که مولفان آنها با هدف جمع احادیث ازدواج حضرت علی و فاطمه علیهما السلام نگاشته اند. اما اثر حاضر با نگاه بیشتر در گزارش مثبت و منفی خواستگاران مورد بحث قرار می گیرد. هدف از طرح بحث پیش رو، شناسایی مقام حضرت فاطمه و علی علیهما السلام هست که بایستی آن را دانست: آنها چه مقامی داشته اند که رسول الله صلی الله علیه و آله با پیک وحی دستور یافت تا به خواستگاران فاطمه علیها السلام پاسخی داده نشود اما به تقاضای خاص و تایید مشورت آسمانی موافقت حاصل شد؟ این واقعیت نشان می دهد که بایستی با تعریف چنین مشورت آسمانی مقام حضرت فاطمه و علی برای مسلمین بیشتر شناسانده شود که رسیدن به این مقصود هدف بزرگی به شمار می آید.

روش بحث حاضر به طریقه های کتابخانه ای و استفاده از دستگاه های دارنده ی ابزارهای نرم افزاری، انجام شده است نیز در روش حاضر گاهی برای حصول اطمینان از سند احادیث، مطالب مرتبط برای کسانی مطرح شده است که چنین روایات را نمی پذیرند یا در فضیلت انحصاری و اختصاصی آنها برای حضرت علی و فاطمه علیهما السلام تردید دارند که با این نگاه شبهات احتمالی برطرف گردیده است اکنون بحث پیش رو بنام حدیث ازدواج فاطمه و علی علیهما السلام در منابع اهل سنت پی گرفته می شود.

قسمت اول: عدم موافقت رسول الله صلی الله علیه و آله

شماری از مردان قریش برای خواستگاری فاطمه علیها السلام نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمدند و پیشنهاد خویشاوندی برای حضرت صلی الله علیه و آله دادند؛ رسول الله صلی الله علیه و آله برابر تقاضای آنها سکوت اختیار نمود. در این قسمت به شماری از روایات منابع اهل سنت درباره عدم موافقت حضرت صلی الله علیه و آله، می پردازیم.

۱. فرمان انتظار به امید رسیدن حکم الهی

ابن سعد زهری (م: ۲۳۰هـ) می گوید: «ابوبکر برای خواستگاری فاطمه علیها السلام نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمد که حضرت صلی الله علیه و آله برایش فرمود: یا ابوبکر! به انتظار فرمان الهی باش. ابوبکر برگشت خبر را

به عمر رساند. عمر گفت: یا ابوبکر! پیامبر ﷺ خواست به تو جواب رد دهد. ابوبکر گفت: اکنون تو برای خویش خواستگاری کنی. عمر نزد رسول الله ﷺ آمد موضوع را مطرح کرد. حضرت ﷺ برایش پاسخی داد که قبلاً ابوبکر آن را شنیده بود. عمر برگشت آن را به ابوبکر باز گفت وی در پاسخ گفت: عمر! پیامبر ﷺ ترا نیز رد کرد. (طبقات الکبری [بی تا]: ج ۸/ ص ۱۹)

حلبی می گوید: دو خلیفه - ابوبکر و عمر - هر یکی از آنها به تنهایی تقاضای خویشاوندی کردند اما رسول الله ﷺ برای شان فرمودند: منتظر جواب باشید تا فرمان الهی برسد. (سیره الحلبیة ۱۴۰: ج ۲/ ص ۴۱۷) عالمانی مانند: ابن شاهین (م: ۳۸۵ هـ) (جزء فضائل فاطمة [بی تا]: ج ۱/ ص ۴۴)، ابن جوزی (م: ۵۹۷ هـ) (منتظم ۱۳۵۸: ج ۳/ ص ۸۵) و دیگرانی نیز پیشنهاد خویشاوندی آنها را با حضرت ﷺ نقل کرده اند. طبق این روایت رسول الله ﷺ به تقاضای خواستگاری خلیفه اول و دوم موافقت فرمودند و به خواستگاران فرمودند: بایستی به انتظار نشست تا زمان مناسب فرا رسد.

۲. صدور فرمان انتظار برای همگان

روایت دیگری تأکید می دارد که رسول الله ﷺ نیز به انتظار بسر می برد، در نقل بلاذری (م: ۲۷۹ هـ) از ابن سعد ضمیر منفصل آورده شد که رسول الله ﷺ برای ابوبکر فرمود: «من هم برای رسیدن فرمان خداوند چشم به راه پاسخ مشورت از طرف قضاء هستم» (أنساب الأشراف [بی تا]: ج ۱/ ص ۱۷۹)

کلام رسول الله ﷺ درباره ی فاطمه ؑ که بایستی به انتظار بسر برد تصریح می کند گویا تصمیم جایی دیگری گرفته می شود: پیامبر ﷺ و خواستگاران منتظر باشند زیرا پاسخ به تقاضای خواستگاران فاطمه ؑ از امور عادی نیست؛ از این رو رسول الله ﷺ با خواستگاران دیگر دختران تحت تکفل خویش تکلیف زمینی دارد اما با خواستگاران فاطمه ؑ تکلیف آسمانی؛ به عبارت دیگر، حضرت ﷺ برای تقاضای خویشاوندی برای دیگر خواستگاران دختران تحت تکلف خویش، منتظر مشورت نماند اما برای درخواست خویشاوندی دخترش فاطمه ؑ به خواستگاران فرمودند: ما چشم به راه فرمان الهی هستیم.

۳. انتظار همیشگی برای دستور آسمانی

این روایت پاسخ خواستگار را به مشورت قضاء مشروط کرد. محب الدین طبری (م: ۶۹۴هـ) روایت کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یا ابوبکر! هنوز دربارهی فاطمه، موافقت آسمانی نرسیده است پس از آن عمر بن خطاب با قریشیان خواسته‌ی خویش را مطرح کرد که حضرت صلی الله علیه و آله برای او نیز پاسخ منفی را تکرار کرد». (ذخائر العقبی [بی تا]: ج ۱/ ص ۲۹)

مطابق آنچه کلمه «بعدی» در روایت نشان می‌دهد گویا مراجعه خواستگاران مکرر بوده است که دو قید مهم «اسم» و «بعد» در اول و آخر روایت افزوده شده است اما در سبب تاخیر پاسخ، خبر بیشتر در دست نیست فقط حضرت صلی الله علیه و آله چنین می‌فرماید: مرجع قضاء هنوز در باره‌ی درخواست متقاضیان، دستوری صادر نکرده است.

نکته: برخی قراین نشان می‌دهد که پاسخ نامعلوم حضرت صلی الله علیه و آله به چنین خواستگاری، از لحاظ واقعیت‌ها استثناء بوده است که تنها در احوال ازدواج فاطمه علیها السلام دختر رسول الله صلی الله علیه و آله پیش آمده است نه برای دیگران. نکته قابل طرح دیگر اینست که آیا انتظار موافقت به فرمان آسمانی، تنها به زمان ازدواج اختصاص داشته است یا شامل امور دیگر زندگی فاطمه علیها السلام نیز می‌شده است؟ پاسخ این پرسش در بحث‌های مفصل‌تر جسجو گردد.

اما احادیث روایی اهل سنت در این موضوع نیز ظرفیت وسیع دارد چنانکه بخشی پاسخ‌ها در روایات مقامات حسبی و نسبی فاطمه علیها السلام تصریح شده است؛ از این رو در مشورت آسمانی ازدواج فاطمه علیها السلام این پرسش مطرح می‌شود که حکمت عدم موافقت الهی با جماعت خواستگاران غیرهاشمی چه بوده است؟ آیا جز مراقبت از نسل امامت، هدف دیگری می‌تواند منظور باشد؟ نیز این نکته اهمیت دارد که مشورت آسمانی در ازدواج فاطمه با غیر علی علیه السلام سخت‌گیرانه مطرح شده است که با چنین تاکید در این مرحله بدون نقش در دیگر مراحل زندگی فاطمه علیها السلام چه معنای می‌تواند داشته باشد آیا خواستگاران تنها در مورد ازدواج بایستی بدانند که پاسخ خواستگاری مشورت به حکم قضاء مشروط است یا در امور دیگر زندگی فاطمه علیها السلام نیز مشورت‌های آسمانی ادامه دارد یعنی نقش همان مشورت آسمانی کماکان تعیین‌کننده است؟ و مباحث خاص مربوط به فاطمه علیها السلام در موضع‌گیری‌ها و نگاه‌های او نیز

معانی جدید می‌یابد که از نظر واقعیت‌های موجود جامعه نمی‌توان آن را از نظر دور دانست و با توجه به چنین نگاه می‌توان گفت: کلام حضرت ﷺ که فرمود هنوز برای من امری ابلاغ نشده است نمی‌تواند با موافقت و رضایت وحی الهی بی‌ارتباط باشد که بایستی در مقاله‌ی مستقلی به توضیح آن پرداخت. از این رو رسول الله ﷺ فرمود: تا هنوز فرمانی نرسیده است.

۴. موضوع سکوت پیامبر ﷺ برابر پیشنهاد خواستگاری

در برخی روایت‌ها رسول الله ﷺ برابر خواست ابوبکر و عمر تنها سکوت پیشه کرد. (سیره الحلیة ۱۴۰۰: ج ۲/ ص ۴۷۱) اما این سکوت می‌تواند به معانی‌ای اشاره داشته باشد که جلسات خواستگاری متعدد بوده پاسخ با سکوت همراه شده است و گاهی سکوت معنایی دارد که هیچ لفظی نمی‌تواند جایگزین آن باشد.

۵. اعراض پیامبر ﷺ برابر پیشنهاد خواستگاری فاطمه

گاهی اوقات رسول الله ﷺ از پاسخ اعراض می‌نمود و طرح چنین بحث را نمی‌شنید. انس بن مالک نقل کرد که ابوبکر نزد رسول خدا ﷺ گفت: یا رسول الله! کسی هستم که برای اسلام مشورت داده‌ام! اسلام من قدیم است، چنین و چنان هستم! حضرت ﷺ فرمود: منظور شما چیست؟ گفت: فاطمه را برایم تزویج کن! رسول خدا ﷺ از ابوبکر روی گرداند. وی نزد عمر آمده گفت: بیچاره شده‌ام؛ عمر گفت: چرا؟ ابوبکر گفت: من از فاطمه خواستگاری کردم رسول الله ﷺ از من روی گردانید. عمر گفت: بنشین؛ عمر نزد رسول الله ﷺ رسید مانند ابوبکر مطالبی گفت که او به هوا خواهی فاطمه آمده است؛ حضرت از او نیز روی برگردانید. (مجمع الزوائد ۱۴۰۷: ج ۹/ ص ۲۰۴)

گزارش‌های شیوه‌ی اعراض رسول الله ﷺ نشان می‌دهد که موضوع خواستگاری بایستی چند مرتبه مطرح شده باشد تا اندازه‌ای که خواستگاران به رد ضمنی و کنایه‌ی رسول الله ﷺ حرمت نهاده‌اند یا واقعه برای آنها مشتبه شده از سکوت حضرت ﷺ معنای موافقت و پاسخ مثبت استنباط کرده‌اند یا چنین بوده است که به آداب فرهنگ خویشاوندی، پابندی لازم نشان نداده‌اند که رسول الله ﷺ واکنش منفی نشان داده از آنها رو گردانید یا هیچ تصمیمی برای

حدیث ازدواج آسمانی فاطمه و علی علیهما السلام در منابع اهل سنت □ ۱۳۵

رسول الله صلی الله علیه و آله در این باره ابلاغ نشده است و جواب‌ها برای دفعات مراجعان، تکراری بوده است و حضرت علیه السلام از آنها روی گردانید. خلاصه «اعراض» معنای مهمی دارد که در مباحث خواستگاری آن را مد نظر قرار داد.

۶. خود داری پیامبر صلی الله علیه و آله از اجابت به تقاضای دوستی خویشاوندی

رسول الله صلی الله علیه و آله خواستگاران را اجابت نکرد؛ ابن جوزی (م: ۵۹۷هـ) روایت می‌کند: فاطمه علیها السلام هنگامی که در کمال نیکویی پوشش، ظاهر گشت رسول الله صلی الله علیه و آله به توصیفش پرداخت، ابوبکر برخاست و از فاطمه علیها السلام خواستگاری کرد. رسول الله صلی الله علیه و آله سکوت پیش گرفت پس از آن عمر مانند شیری برای طعمه در جنگل برخاست؛ حضرت علیه السلام جواب او را نداد. فضای خواستگاری، آتشین شد اما هنگامی که علی علیه السلام علاقمندی را مطرح کرد رسول الله صلی الله علیه و آله با آگاهی از خبر وحی در مورد علی علیه السلام فرمود: خداوند امر کرد که فاطمه علیها السلام را به علی تزویج کنم. سپس فاطمه در ماه صفر نامزد شد در ذی حجه خانه اش را آماده کرد. (التبصرة ۱۳۹۰: ج ۱/ ص ۴۵۲)

اما اینکه حضرت صلی الله علیه و آله برای درخواست مکرر دوستی‌ها پاسخ نداد روایت مبهم می‌نماید. تاریخ در این باره توضیح بیشتر نداده است که خواستگاران برابر انتظار مکرر، چه واکنشی‌های بیرون از گزارش‌های رسمی و حدیثی انجام داده اند مسلماً واقعه به همین سادگی و اختصار نیز نخواهد بود؟ آیا جملگی خواستگاران اعتراض کردند یا اصلاً اعتراضی در این بین مطرح نشد؟ نظر به سوابق جسارات در موارد مشابه گاهی صحابه قناعت نمی‌کرده اند از این نگاه می‌توان پی برد که واقعه خواستگاری چه فراز و فرودهای داشته و چگونه پیش رفته است تا به مانع مشورت آسمانی برخورده است؟ اما صرف نظر از زوایای خاص موضوع، قدر متقین این است که رسول الله صلی الله علیه و آله تقاضاهای مصرانه‌ی دو خواستگار را اجابت نکرد.

۷. استناد حضرت صلی الله علیه و آله به عدم آمادگی فاطمه علیها السلام به لحاظ سنی برای ازدواج

حضرت صلی الله علیه و آله در برخی مجالس خواستگاری، از عدم آمادگی سنی فاطمه علیها السلام برای زندگی جدید خبر داد؛ احمد بن حنبل روایت کرد: رسول الله صلی الله علیه و آله در پاسخ خواستگاری ابوبکر و عمر فرمود: وی خرد سال است اما زمانی که علی علیه السلام به هوا داری فاطمه علیها السلام آمد حضرت صلی الله علیه و آله پیشنهادش را

پذیرفت و دخترش را به علی علیه السلام عقد نمود (فضائل الصحابة ۱۴۰۳: ج ۲/ ص ۶۱۴)^۱ و (موارد الظمان [بی تا]: ج ۱/ ص ۵۴۹). حاکم نیشابوری می‌گوید: این حدیث بر شرط بخاری و مسلم صحیح است لکن آن دو شیخ این حدیث را نقل نکرده اند. (مستدرک علی الصحیحین ۱۴۱۱: ج ۲/ ص ۱۸۱) هم چنین ابن حجر عسقلانی (فتح الباری [بی تا]: ج ۱۰/ ص ۵۶۲) و عجلونی (م: ۱۱۶۲هـ) نیز می‌گویند: حاکم این حدیث را تصحیح کرد. (کشف الخفاء ۱۴۰۵: ج ۲/ ص ۳۹۲)

درباره این روایت که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم جهت رد خواستگاران به خرد سالی فاطمه علیها السلام استناد کرد اما به علی علیه السلام او را عقد نمود. ملا علی قاری گفت: توهم نشود که علی از آن دو افضل است! احتمال دارد آن دو هنگامی که به خواستگاری آمده اند دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کودک بوده است بعد از مدتی که علی آمد سال پانزدهم او را خطبه کرد. یا احتمال دارد فاطمه نسبت به ابوبکر و عمر خرد سال بود جهت تناسب سنی، فاطمه را به علی تزویج کرد. یا فاطمه با مشورت نزول وحی به علی تزویج گردید. علی قاری ادامه می‌دهد با این احتمالات، استدلال برتری علی بر شیخین دفع می‌گردد! (مرقاة المفاتیح ۱۴۲۲: ج ۱۱/ ص ۲۵۹) صدیق حسن خان (م: ۱۳۰۷هـ) می‌گوید: شایسته است که دختر صغیر به مرد کبیر السن تزویج نشود حتی دختر اگر بالغه باشد می‌سزد که سال آنها در نظر گرفته شود. (الروضة الندية ۱۹۹۹م: ج ۲/ ص ۱۵۱)

نکته: قاری در امتناع حضرت صلی الله علیه و آله و سلم از اجابت شیخین گفت که شاید سبب آن به فرمان وحی باشد اما این نگاه احتمال نیست بلکه مفاد روایت های صریح و ثابت است که می‌گوید: وحی دستور داد که فاطمه به آن دو تزویج نشود فقط به علی تزویج گردد این هنگام برای علی علیه السلام فضیلت همسری فاطمه ثابت می‌شود و معلوم است که اهلیت ازدواج به معنای یکی از امتیازات فرد واجد شروط به شمار می‌آید که گاهی تنها در بخش ازدواج تبارز می‌یابد. اما این که فرمود: دخترم فاطمه خرد سال است پاسخ مناسب در رد خواستگاری غیر مورد نظر شمرده می‌شود.

^۱ «حدثنا أبو عمرو محمد بن محمود الأصبهاني قتنا علي بن خشرم المروزي قتنا الفضل بن موسى السينائي عن الحسين بن واقد عن عبد الله بن بريدة عن أبيه أن أبا بكر وعمر خطبا إلى النبي صلى الله عليه وسلم فاطمة فقال إنها صغيرة فخطبها علي فزوجها منه».

۸. احتمال پذیرش دوستی با پیشنهاد برخی خواستگاران

ما از تقاضای خویشاوندی با بیت رسول الله صلی الله علیه و آله منع شدیم؛ شاید شما نشوید. بلاذری (م: ۲۷۹هـ) روایت می‌کند: به علی علیه السلام گفته شد: شما به هوای فاطمه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بروید. علی علیه السلام فرمود: ابوبکر و عمر از خواستگاری فاطمه منع شدند گمان نمی‌برم ممانعت شوم. علی علیه السلام را واداشتند که به خواستگاری برود. وی نیز موضوع را با پیامبر صلی الله علیه و آله در میان گذاشت که حضرت صلی الله علیه و آله فاطمه به علی تزویج گردید. (أنساب الأشراف [بی تا]: ج ۱/ ص ۱۷۹) این نکته را در نظر داشت که تعبیر ممانعت از میان تمامی پاسخ‌های داده شده مفهوم بیشتری دارد می‌تواند به اندازه‌ی معنای خاص داشته باشد که موافقت با درخواست علی علیه السلام، خصوصیت یابد.

بدین ترتیب تمامی پاسخ‌های که حضرت صلی الله علیه و آله برای خواستگاران مردود قریش فرموده اند نشان می‌دهد که گروه صحابه از طرح جدید خویشاوندی به امید هواخواهی فاطمه علیها السلام ممانعت شده اند اما رسول الله صلی الله علیه و آله برای خواستگاری همسری در مطابقت با شأن فاطمه علیها السلام فی المجلس اعلام موافقت کرد که در قسمت دوم تحقیق بیان می‌گردد.

قسمت دوم: موافقت رسول الله صلی الله علیه و آله

پس از آن که پیامبر صلی الله علیه و آله به خواستگاران قریشی فاطمه علیها السلام، پاسخ منفی داد. امکان برقراری رابطه‌ی خویشاوندی را به موافقت خدای تعالی مشروط کرد از طرف دیگر پاسخ حضرت صلی الله علیه و آله به خویشاوندی علی علیه السلام مثبت بود این هنگام حضرت صلی الله علیه و آله با شادمانی فرمود: مقامات علین آسمان و مراجع قضات الهی درباره‌ی این پیوند مبارک، دیدگاه موافق دارند از این رو حضرت صلی الله علیه و آله موافقت آسمانی ازدواج علی با فاطمه علیها السلام را اعلام فرمود که در این قسمت به موارد آن می‌پردازیم.

۱. فرمان الهی به شکیبایی تا رسیدن به شرایط مناسب

منابع اهل سنت درباره‌ی پیوند آسمانی دخت رسول الله صلی الله علیه و آله می‌گویند که حضرت صلی الله علیه و آله نیز در انتظار تصمیم‌گیری بسر می‌برد. هیشمی (م: ۸۰۷ هـ) روایت کرد: شیخین ابوبکر و عمر پس

از پاسخ منفی رسول الله ﷺ گفتند که رسول الله ﷺ منتظر امر خداوند است؛ ما در مشورت به علی می‌گوییم که او فاطمه را برای خویش خواستگاری کند. علی فرمود: آن دو در حالی نزد آمدند که بین راه بودم و گفتند: به خواستگاری دختر عمویت می‌روی؟ من با شنیدن سخن آنها پی بردم که پیشنهاد نهاد دوستی شان رد شده است آنگاه ایستادم. سمت رداء ام را بر گردنم و سمت دیگرش را بر زمین گذاشتم نزد رسول الله ﷺ رسیدم و محضر حضرت ﷺ نشستم درباره‌ی امتیازات خویش، مطالبی بیان داشتم. حضرت ﷺ فرمود: یا علی چه می‌فرمایی! گفتم هوادار فاطمه هستم. گفت: نزدت چیست؟ گفتم: اسب و زره. فرمود: اما اسب به کار تو می‌آید آن را داشته باش ولی سپرت را بفروش. گفت: آن را به چهار صد درهم فروختم... (مجمع الزوائد: ج ۹/ ص ۲۰۴)

روایت می‌گوید که رسول الله ﷺ از حضرت ﷺ به گونه‌ی رضایت‌مندانه پرسید: برای چه منظور آمده‌ای؟ گویا نشان می‌دهد موافقت قضا صادر گردیده است. بدین ترتیب پایان انتظار برای خواستگاران قبلی با موافقت به هواداری حضرت علی انجامید.

۲. گزینش خداوند تزویج فاطمه به علی

برخی روایات اهل سنت در این باره تصریح می‌کند که فرمان آسمانی برای تزویج صادر گردید و گزارش موافقت ازدواج دختر حضرت ﷺ با تعبیری خاص روایت شده است؛ بحث خویشاوندی با رسول الله ﷺ سال دوم هجری (تهذیب الاسماء ۱۹۹۶ م: ج ۱/ ص ۴۷) مطرح گردیده است. انس بن مالک صحابی روایت می‌کند و می‌گوید: نزد رسول الله ﷺ نشسته بودیم که حضرت ﷺ احساس دریافت وحی کرد. هنگامی که فرشته‌ی آسمانی از نزدش رفت. رسول الله ﷺ برایم گفت: یا انس! می‌دانی؟ جبریل از صاحب عرش چه پیامی آورد؟ گفتم: پدر و مادرم فدایت باد! ندانستم، چه خبری آورد؟ پیامبر ﷺ به نقل از پروردگار عز و جل فرمود: من، فاطمه را به علی تزویج کرده‌ام. آماده شو! این افراد را در مراسم دعوت کن: ابوبکر، عمر، عثمان، علی، طلحه، زبیر با شمار انصار. (شریعة ۱۴۲۰: ج ۵/ ص ۲۱۲۹) طبرانی (م: ۳۶۰ هـ) از طریق ابن مسعود این روایت را نقل کرد. (المعجم الكبير ۱۴۰۴: ج ۱۰/ ص ۱۵۶)

روایت طبرانی از مراسم خواستگاری فاطمه علیها السلام جزئیات بیشتری نقل کرده است که راوی گفت: من از رسول الله حدیثی شنیده ام که می‌خواهم به شما خبر دهم. می‌خواستم تا حضرت علیه السلام بر صحت آن گواهی دهد فرصت نیافته ام که پرسم مگر در تبوک. با حضرت علیه السلام همراه بودیم. شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرمود: خداوند امر فرمود که فاطمه علیها السلام را به علی تزویج کنم من [= رسول الله] این فرمان را بجا آورده ام. جبریل گفت: خداوند، بهشتی از باغ لؤلؤ ساخت که بین هر باغی تا باغ دیگر، لؤلؤ ای از یاقوت و طلا با سقفی از زبرجد سبز پوشیده است... وی در ادامه ی روایت اوصاف بیشتری از قصر را بر شمرده است. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که از جبرئیل پرسیدم: خداوند برای چه کسی چنین قصر را ساخته است؟ فرمود: برای فاطمه دختر تو و علی بن ابی طالب علیهما السلام تا تحفه و چشم روشنی برای تو باشد. (المعجم الکبیر ۱۴۰۴: ج ۲۲/ ص ۴۰۷)

ابن حجر عسقلانی در اعتبار روایت حاوی بناء بهشتی می‌گوید: این حدیث بایستی از غیر طریق المسمعی، بررسی گردد. اما این که ذهبی جزم کرد. وی کذاب بوده به وضع متهم است و از عقیلی روایت کرد که اشکالالی در آن است؛ اما گفته ای او [= ذهبی] درباره چنین اشکالی، اشکال دارد و فساد چنین اشکال در کلام ذهبی مخفی نیست. (لسان المیزان ۱۴۰۶: ج ۴/ ص ۷۷) ابن حجر مکی نیز دیدگاه انتقادی ذهبی را نپذیرفته و گفته است که قصه - خانه بهشتی علی و فاطمه - اصلی دارد گرچه در طریق برخی روایت های آن، کلام واقع شده باشد. (صواعق المحرقة ۱۴۱۷: ج ۲/ ص ۴۲۰)

اما صرف نظر از دیدگاه‌های علماء اهل سنت درباره راوی این روایت، هیشمی (م: ۸۰۷هـ) می‌گوید: رجال این روایت از ثقات است. (مجمع الزوائد ۱۴۰۷: ج ۹/ ص ۲۰۴) پس روایت فوق الذکر از طریق عبدالله مسمعی، ضعیفی نداشته صحیح شمرده می‌شود به علاوه ای اینکه راویان این روایت، مطابق دیدگاه علماء رجال، ثقه نیز است و روایت با تحقق وثاقت سند، به اهمیت خبر اشارت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: بین علی و فاطمه علیهما السلام به امر خداوند متعال، پیوند زندگی بر قرار کردم.

۳. یا علی! فاطمه، همسر توست

روایت دیگر نامزدی فاطمه برای علی علیه السلام به نقل عقیلی (م: ۳۲۲هـ) می‌گوید که حجر بن عبس گفت: هنگامی که ابوبکر و عمر، فاطمه علیها السلام را خواستگاری کرده‌اند. رسول الله صلی الله علیه و آله خطاب به علی گفت: فاطمه نامزد توست. من در موافقت قبلی ام در وعده ی نامزدی فاطمه علیها السلام برای تو تخلف نمی‌کنم.

این روایت به نامزدی فاطمه علیها السلام برابر ابوبکر و عمر یاد کرد گویا تعیین همسر فاطمه علیها السلام در مشورت خاص معین شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید من تخلف کننده‌ی در موافقت نیستم که فاطمه را به دیگری عقد نمایم. (ضعفاء العقیلی ۱۴۰۴: ج ۴/ ص ۱۲۵) اما درباره‌ی این فرموده‌ی رسول الله صلی الله علیه و آله مبنی بر عدم تخلف در وعده باید گفت که خبر به به موضوع توافق بر سر عقد علی و فاطمه با مشورت‌های جانب آسمانی اشاره می‌کند. (طبقات الکبری [بی تا]: ج ۸/ ص ۱۹) نیز برخی تراجم در بیان بیشتری آورده است که حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: چنین نیست که به وعده ی خویش وفا نکنم یا بی عهدی کنم. (غریب الحدیث ۱۴۰۲: ج ۱/ ص ۶۲۷) در روایت خطابی (م: ۳۸۸هـ) از حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله به ابوبکر فرمود: من به علی بن ابی طالب فاطمه را وعده داده‌ام. (غریب الحدیث ۱۴۰۲: ج ۱/ ص ۶۲۶)

هم چنین ابن عراق (م: ۹۶۳هـ) می‌گوید که حجر بن عبس گفت: ابوبکر و عمر نزد پیامبر صلی الله علیه و آله به هوا خواهی فاطمه علیها السلام آمدند اما حضرت صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: یا علی! فاطمه برای تو است من مکذب وعده‌ام نیستم. حدیث از طریق موسی به قیس حضرمی رسیده است که گفته‌اند: وی در رفض غالی بود اما در ادامه‌ی آن آورده‌اند که ضمن نقل ابوداود ابن معین وی را توثیق نمود. ابن حجر در تقریب گفت که وی صدوق بود اما به تشیع رمی شد. الله تعالی بهتر می‌داند: هیشمی بعد از نقل حدیث گفت: رجال آن ثقات است مگر حجر بن عبس که از پیامبر صلی الله علیه و آله آن را نشنید. می‌گوییم: حافظ ابن حجر در الاصابه گفت که علما اتفاق دارند: وی نبی صلی الله علیه و آله را ندیده است گویا از برخی صحابه (الإكمال ۱۴۱۱: ج ۶/ ص ۸۱) آن را شنیده است. (تنزیه الشریعة ۱۳۹۹: ج ۱/ ص ۳۸۶)

بلی! با بررسی نسخه الاصابه روشن شد که وی «حجر بن عبس» را شرح نداده است.

(ابن حجر عسقلانی: م ۱۴۱۵هـ) اما بخلاف ابن حجر؛ ابن عبدالبر گفت که گرچه وی پیامبر صلی الله علیه و آله را ندید اما زمان حضرت صلی الله علیه و آله ایمان آورد. (الاستیعاب ۱۴۱۲: ج ۱/ ص ۳۳۲) این مطلب بر اساس دیدگاه برخی، اعتبار بیشتر دارد که چنین گفته اند: کسانی که زمان پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورده اند بدون ملاقات با حضرت صلی الله علیه و آله صحابه شمرده می شوند اما هیشمی به ضعف روایت اشارت نکرد بلکه با نقل روایت گفت: تمامی رجال آن، ثقات است. (مجمع الزوائد ۱۴۰۷: ج ۹/ ص ۲۰۴) صرف نظر از توثیقات علما، بایستی گفت که غلو موسی بن قیس الحضرمی در رفض به وثاقت او زیان نمی زند زیرا ذهبی (م: ۷۴۸هـ) می گوید: وی شیعی ثقة است. ابوداود از او روایت کرد (الکاشف ۱۴۱۳: ج ۲/ ص ۳۰۷) افزون بر آن ابن حجر عسقلانی می گوید: ابن شاهین آن را در ثقات آورد و ابن نمیر گفت که او ثقة است. (تهذیب التهذیب ۱۴۰۴: ج ۱۰/ ص ۳۲۷) بزار نیز گفت که رجال روایت، ثقات است. (اتحاف السائل ۱۴۲۷: ج ۱/ ص ۴۶) چنانکه مغازلی گفت که طبرانی به روایت صحیح آن را نقل کرد. (اتحاف السائل ۱۴۲۷: ج ۱/ ص ۴۶) بدین ترتیب روایت نامزدی فاطمه علیها السلام به علی علیه السلام به روایات صحیح نقل شده است که حضرت فاطمه علیها السلام برای علی علیه السلام نامزد بوده است چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من به این تعهد دوستی وفادارم.

۴. ازدواج تو به موافقت امر از جانب آسمان

برخی روایت ها درباره ی تزویج مطهرین علی و فاطمه علیهما السلام به صراحت می گویند که جریان خبر خیر عالم آفرینش، به امر آسمان، انجام شد. ابن ابی الحدید (م: ۶۵۵هـ) روایت کرد هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله خواست تا فاطمه علیها السلام را به عقد علی علیه السلام آورد زنان عرب در عتابی به فاطمه علیها السلام گفتند: دختر رسول الله! فلانی و فلانی از شما خواستگاری کردند شما رد کردید اما اکنون همسر شما فقیر است... هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله بر خانه ی فاطمه علیها السلام وارد شد نشانه نکوهش زنان قریشی در سیمای فاطمه علیها السلام احساس شد رسول الله صلی الله علیه و آله از دخترش پرسید زنان قریش برای شما چه سخنی گفته اند؟ فاطمه علیها السلام گفتار آنان را بیان کرد. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه! خداوند امر کرد: ترا به نکاح کسی آورم که در ایمان به اسلام از همه قدیم تر بوده بر همگان از جهت صفات علمی، برتری دارد. در اوصاف اخلاقی نیز از همه ی مردم،

شکیبا تر است ترا از نزد خود به علی تزویج نکرده ام مگر به امری که از آسمان برایم رسیده است. آیا نمی دانی که او در دنیا و آخرت برادرم هست؟. (شرح نهج البلاغة ۱۴۱۸: ج ۱۳/ ص ۱۳۶) بناء روایت با صراحت، فرمان ازدواج آسمانی فاطمه علیها السلام را بیان می کند .

هم چنین در روایت عسکری (م: ۳۹۵ هـ) رسول الله صلی الله علیه و آله بیان داشت: خداوند امر فرمود که فاطمه را برای علی به چهار صد مثقال نقره تزویج کنم در صورتی که علی بدان مبلغ راضی باشد. علی علیه السلام فرمود: من از خدا و رسول او راضی هستم. آن گاه رسول الله صلی الله علیه و آله دعا فرمود: خداوند بین شما جمع کرده برای جد شما این زندگی را نیکو گرداند خداوند اطیاب فراوان و نسل بی شمار برای شما عنایت فرماید. جابر گفت: سوگند به کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد خداوند برای آن دوزوج، نسل های پاکی ارزانی فرمود. (الأوائل [بی تا]: ج ۱/ ص ۲۹) بدین ترتیب مشورت آسمانی ازدواج زوجین اهل بیت به گونه‌ی صریح در روایت بیان شده است .

برگزاری مراسم عقد در ملاء اعلاء

درباره تزویج فاطمه علیها السلام به روایت محب الدین طبری (م: ۶۹۴ هـ) از علی علیه السلام، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: فرشته ای نزد من آمد گفت: یا محمد! پروردگارت ضمن سلام می فرماید که در محضر گروه فرشتگان، دخترت فاطمه را به علی بن ابی طالب تزویج کرده ام. شما به علی بن ابی طالب در زمین آن را تزویج نمایید. از امام علی بن موسی الرضا در مسندش این خبر روایت گردید و از انس بن مالک نیز روایت شد که گفت در مسجد به محضر رسول الله صلی الله علیه و آله بودیم که به علی گفت: این جبرئیل است که خبر می دهد خداوند فاطمه علیها السلام را به عقد تو آورد. چهل هزار فرشته بر قرائت عقد گواهی داده اند خداوند به شجره‌ی طوبی فرمود: بر آنها دُرّ و یاقوت ببار . آن درخت چنین کرد . حور العین آمدند آنها را در طبق های دُرّ و یاقوت فراهم کردند تا قیامت بین شان آنها را نگه می دارند...

از عبدالله ابن مسعود روایت شد: هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را به خانه ی علی علیه السلام همراهی می کرد برایش فرمود: خداوند به من فرمان داد که ترا به عقد علی آورم، خداوند به فرشته ها دستور داد تا در صف منظم بایستند درخت های بهشت را واداشت که

پوشش های خویش را بکار گیرند امر کرد که در بهشت منبری فراهم آورد سپس جبرئیل بر فراز آن رفت خطبه را خواند هنگامی که قرائت عقد پایان یافت دانه های زینتی و درها را پراکند هر کدام حاضران که بهتر و بیشتر آن ها را بدست آورده اند تا قیامت به آنها افتخار می کنند فرزندان این پیوند آسمانی ترا کفایت می کند. غسانی، این خبر را نقل کرد .

هم چنین از امام علی کرم الله وجهه الشریف روایت شد که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: فرشته ی نردم آمد گفت: یا محمد! خداوند تعالی برای تو می گوید ... به شجره ی طوبی فرمان دادم که یاقوت و مرجان بار گیرند جهت عقد نکاح فاطمه بر ملائکه، حورالعین آنها را بپاشند آنها و اهل آسمان ها با انجام چنین مراسم شادمان شدند. (ذخائر العقبی [بی تا]: ج ۱/ ص ۳۱)

هم چنین ابن اثیر جزری (م: ۶۳۰هـ) از سنان بن شفعلة اوسی روایت کرد که جبرئیل علیه السلام به رسول الله صلی الله علیه و آله خبر داد: هنگامی که خداوند فاطمه علیها السلام را به علی تزویج فرمود به دربان رضوان و او به شجره ی طوبی امر کرد برگ های به شمار نفوس محبان آل بیت محمد صلی الله علیه و آله بار آوردند هنگامی که رستاخیز فرا رسد خداوند به شمار آن برگ ها، فرشته های را می فرستد تا به هریکی از محبان آل محمد برگه ی عطا کند که در آن برائت از آتش نوشته است. (اسد الغابة ۱۴۱۷: ج ۲/ ص ۵۵۳)

وی در خبر دیگری با جزئیات بیشتر از این محفل بهشتی روایت می کند که جهت اختصار از ترجمه صرف نظر می شود. (اسد الغابة ۱۴۱۷: ج ۱/ ص ۳۰۵) ابن حجر عسقلانی نیز در باره ی حدیث فوق اما در نگاهی به سند روایت گفته است که برخی افراد آن، شناخته شده نیست. نیز وی افزود که در سند آن محمد بن فارس عطشی «رافضی» است (الإصابة ۱۴۱۲: ج ۳/ ص ۱۸۷) اما این گفته ای ابن حجر عسقلانی - افراد ناشناخته در سند حدیث است - مقبول نیست و رد می شود به این که وی نام افراد ناشناخته را معین نکرد که چه کسانی هستند. وانگهی راوی مورد نظر مجهول او در نظر چه کسانی ناشناخته اند که این بحث در محل خود ثمر فراوان علمی دارد اما اینکه وی گفت: محمد بن فارس عطشی «رافضی» است گفته شده است که صفت ترفض، برای راوی حدیث، مذمت نیست. تا روایت راوی رافضی بی اعتبار باشد زیرا شمار راویان صحیحین رافضی اند مانند: عباد بن یعقوب رواجینی در صحیح بخاری. (تحفة اللیب ۱۴۳۱: ج ۱/ ص ۴۶۸) و بکیر بن عبد الله در صحیح مسلم (ج: ص) که آنها

به علاوه ی نقل روایت در صحیح مسلم حتی در رفض شان غالی نیز هستند مانند هارون بن سعد العجلی. (تهذیب التهذیب ۱۴۰۴: ج ۱۱/ ص ۶) پس رافضی بودن راوی هیچ زیانی به صحت روایت نمی زند.

نیز در خبر دیگر، روایات محفل عقد گزارش متفاوت دارند ابن مغازلی می گوید که سفره ی عقد دختر پیامبر ﷺ، بر فوق آسمان های هفتگانه بوده است آنگاه باقی محفل مانند گزارش قبلی نقل گردیده است. (مناقب علی بن ابی طالب ۱۴۲۶: ج ۱/ ص ۲۷۳) روایات شرکت فرشته ها در مکان آسمانی محفل ازدواج صدیقین خبر داده اند که علمای رجال با سندهای صحیح آن را گزارش داده اند. ولی خبر دیگر می گوید: فرشته ها در محفل عروسی زمینی فاطمه ﷺ نیز شرکت داشته اند. در نقل محب الدین طبری از ابن عباس رسول الله ﷺ فرمود: شب عروسی فاطمه پیامبر ﷺ پیش رو، جبرئیل از راست، میکائیل از چپ و هفتاد هزار فرشته از پشت سر جهت همراهی به خانه علی علیهما السلام، حضور داشته اند که همه ی آنها خداوند را تسبیح و تقدیس می کردند تا فجر دمیده شد. (ذخائر العقبی [ابی تا]: ج ۱/ ص ۳۲) بدین ترتیب این روایت یکی از شورانگیز ترین وقایع آسمانی را خبر داده است که در آن پیوند ازدواج علی و فاطمه علیهما السلام بر قرار شده است.

۵. پایان شکیبایی: اجازه آسمانی ازدواج برای تزویج فاطمه

در روایت حلبی (م: ۱۰۴۴هـ) آمده است: هنگامی که علی علیه السلام به محضر پیامبر ﷺ برای خواستگاری فاطمه ﷺ آمد حضرت ﷺ در مشورت به دخترش فرمود: فاطمه! علی به خواستگاری ات آمده است. فاطمه ساکت شد. روایت دیگر می گوید که پیامبر ﷺ چنین فرمود: پسر عمویت اظهار علاقه مندی می کند چه می گویی؟ فاطمه گریست. سپس گفت: پدرجان! گویا پدرم به گمان مردم مرا به مرد فقیری از قریش تزویج می کند؟ رسول الله ﷺ عرض داشت: سوگند به کسی که مرا به نبوت برگزید هیچ سخنی نگفته ام مگر پروردگارم در آسمان به من اجازه داد. فاطمه گفت: من به آنچه که خدا و رسولش خوشنود هستند راضی شده ام. (سیره الحلبیة ۱۰۴۴: ج ۲/ ص ۴۷۱) یا در روایت دیگر به دخترش می فرماید: یا فاطمه! آیا

راضی نیستی که خداوند عزو جل دو نفر اهل زمین را برگزید یکی از آنها پدر توست دیگری شوهر تو؟ (معجم الکبیر ۱۴۰۴: ج ۱۱/ ص ۹۳)

هیثمی می گوید: طبرانی از روایت ابراهیم بن حجاج از عبدالرزاق آن را روایت کرد. ولی ذهبی گفت که ابراهیم شناخته نیست باقی رجال آن صحیح است و روایت به اسناد دیگر ضعیف است. (مجمع الزوائد ۱۴۰۷: ج ۹/ ص ۱۲) ولی قضیه چنین نیست سیوطی با دو نقل روایت می کند یکی از «خطیب» و دیگری از «دارقطنی» که طبق دیدگاه این دو راوی، حدیث مزبور حسن است نه ضعیف (جامع الأحادیث [بی تا]: ج ۲۰/ ص ۱۸۹) به علاوه اینکه متقی هندی نیز به حسن بودن روایت از طریق «خطیب» تصریح می کند. (کنز العمال ۱۴۱۹: ج ۱۳/ ص ۴۸) و حکم حسن در احتجاج مانند صحیح است. (تقریب والتیسیر: ج ۱/ ص ۲۹)

روایات پیوند آسمانی دخت نبوت با پسرعم رسالت زمانی بیان شد که فاطمه علیها السلام از قریشیان نکوهش شنید. آنها از نگاه فرهنگ ثروت و مکنت که جایگاه فرد در اجتماع غیرسالم سنجیده می شود، علی علیه السلام را فقیر می گفتند چنان که به روایت ابن جوزی، فاطمه علیها السلام فرمود: زنان قریش به من عیب می گیرند که همسر تو کمترین مردان قریش از جهت ثروت، است. (علل المتناهیة ۱۴۰۳: ج ۱/ ص ۲۲۵) ولی محب الدین طبری از عطاء بن ابی رباح نقل کرد که بحث پیشتر در آن نیامده است. وی روایت کرد: هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم علاقه ی علی علیه السلام را به فاطمه مطرح کرد. بی بی علیها السلام ساکت ماند و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه را به علی تزویج کرد. (ذخائر العقبی [بی تا]: ج ۱/ ص ۳۲)

۶. تزویج آسمانی فاطمه به نام علی

در روایت سیوطی (م: ۹۱۱ هـ) انس بن مالک گفت: نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد بودیم که ناگهان حضرت صلی الله علیه و آله و سلم به علی گفت: جبرئیل بمن خبر داد که خداوند فاطمه را برای تو تزویج کرد چهل هزار فرشته بر عقدتان گواهی داده اند. (حاوی للفتاوی ۱۴۲۱: ج ۲/ ص ۴۴) اما سیوطی گفت که راویان مجروح، خبر را روایت کرده اند نیز گفت که الذارع در روایت متهم است. (الموضوعات ۱۴۱۵: ج ۱/ ص ۱۴۷) اما ذهبی می گوید: اسماعیلی در صحیح خویش گفت که ابا

خلیفه درباره ای او پرسید. وی، به «الذارع» ثنا گفت. (لسان المیزان ۱۴۰۶: ج ۵/ ص ۲۷۹) برخی مانند ابن الجوزی در نسبت اتهام ضعف به راویان فضایل، راه افراط پیموده است و حکم کرد که روایت ضعیف است لکن به تضعیفات ابن الجوزی اعتنا نمی شود. زیرا او متعصب است. شیخ ابی اسحاق حوینی (معاصر) می گوید: عصیبت مذهبی ابن جوزی او را و می دارد که راویان را تضعیف کند. (نیل النبال، ۱۴۳۳: ج ۴/ ص ۳۰) اما دیگرانی مانند: عبدالرحمن صفوری (م: ۸۹۴). در (نزهة المجالس ۲۰۰۱ م: ج ۲/ ص ۴۳۲) نیز روایت را نقل کرد ولی به تضعیف آن نپرداخت.

اما تزویج آسمانی دخت اهل بیت علیهم السلام به خبر حاضر، منحصر نیست روایت های دیگر جزئیات و فضایل بیشتر نقل کرده اند. در خبر ابن حجر مکی از ابن عباس آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: خداوند به تو فاطمه را تزویج کرد مهر آن را زمین قرار داد هرکسی بر آن تردد کند در حالی که کینه ی ترا داشته باشد حرام است بر آن پانهد. (الإفصاح ۱۴۰۶: ج ۱/ ص ۱۱۵) هم چنین در این روایت، مهریه پیوند آسمانی، تعیین شده است. اگر مهر هر ازدواجی در آسمان تعیین شود هیچ معادلی جز گستره ای زمین با آن برابری نکند. عاصمی مکی درباره ی خبر می گوید: هنگامی که علی علیه السلام شنید رسول الله صلی الله علیه و آله برایش چنین فرمود فوراً علی آن را پذیرفت. (سمط النجوم العوالی ۱۴۱۹: ج ۱/ ص ۵۲۰)

روایت محب طبری (م: ۶۹۴هـ) می گوید که رسول الله صلی الله علیه و آله پس از موافقت آسمانی، به علی علیه السلام فرمود: آیا شما به این پیوند رضایت می دهید؟ علی فرمود: یا رسول الله! من راضی هستم. سپس راوی گفت که علی برخاست سر به سجده گذاشت سپاس خدای را بجا آورد پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند به زندگی شما خیر کثیر و نسل پاک ارزانی بدارد. آینده را برای شما مبارک گرداند. (ذخائر العقبی [بی تا]: ج ۱/ ص ۳۱)

۷. «به فرمان پروردگار! تزویج دخترت فاطمه به علی

پیام پروردگار به رسول الله صلی الله علیه و آله رسید. در روایت طبری (م: ۶۹۴هـ) از عمر بن خطاب نقل شد که نزد وی سخنی از علی به میان آمد: عمر گفت: علی، صهر رسول الله صلی الله علیه و آله است. جبرئیل گفت: یا محمد! خداوند دستور می دهد که فاطمه دخترت را به علی تزویج کن. (ذخائر العقبی [بی تا]: ج ۱/ ص ۳۱)

ص ۳۱) ابن مسعود نیز آن را نقل کرد: هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله دست دخترش را گرفت تا به خانه ی علی همراهی کند برایش فرمود: دخترم جای نگرانی [= از سرزنش مردم] نیست من در پیوند تو با علی به تنهایی اقدام نکردم خداوند مرا در این امر نیک فرمان داد که تو را شریک زندگی علی قرار دهم. (ذخائر العقبی [بی تا]: ج ۱/ ص ۳۱) محدثانی مانند محمد صیداوی به آسمانی بودن پیوند امام علی با فاطمه تصریح کرده اند. (معجم الشیوخ ۱۴۰۵: ج ۱/ ص ۹۳) هم چنین به روایت مناوی ابن مسعود گفت: تزویج فاطمه دختر مصطفی به عقد علی به امر الله تعالی بود. طبرانی نیز نقل نمود که رجال او ثقات است. (سیده نساء أهل الجنة ۱۴۰۰: ج ۱/ ص ۱۹)

نیز طبرانی به نقل از جابر روایت کرد که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند ذریه ی هر نبی را در صلب او قرار داد. ذریتی مرا در صلب علی بن ابی طالب نهاد. (معجم الکبیر ۱۴۰۴: ج ۳/ ص ۴۳) نظیر چنین روایت از غیر طریق جابر نیز رسیده است. راوی خبر در روایت تلمسانی، عباس بن عبد المطلب است که می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق صلب علی به ادامه ی فرزندان خویش خبر داد. (الجوهره [بی تا]: ج ۱/ ص ۲۹۲) سخاوی درباره ی سند روایت می گوید: «از طریق جابر از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت شد همان گونه که از طریق ابن عباس رسید. اما روایت ذریه با حدیث ازدواج آسمانی، ارتباط خاص می یابد که برخی آن را ضعیف دانسته اند ولی چنین دیدگاه درباره ی روایت صحیح نیست زیرا بعضی روایتها، برخی دیگر را تقویت می کنند. اما سخن منفی ابن جوزی در علل المتناهیة، نیکو نیست زیرا این حدیث بر امور اختصاصی رسول الله صلی الله علیه و آله دلالت می کند چنانکه قبلاً بیان شد من آن را در برخی پرسش ها پاسخ داده ام نیز در کتاب هایم که درباره ی اهل بیت نوشته ام». (المقاصد الحسنة: ج ۱/ ص ۵۱۵) هم چنین شوکانی می گوید: این حدیث با بعضی دیگر تقویت می شود. (فوائد المجموعة ۱۴۰۷: ج ۱/ ص ۳۹) بدین ترتیب روایت طبری از نظر سند صحیح است که با روایت های ذریه و حفظ نسل پیامبر صلی الله علیه و آله بیان آسمانی ازدواج علی علیه السلام با فاطمه علیها السلام را توضیح داده است.

۸. اختصاص شایستگی همسری فاطمه علیها السلام برای علی علیه السلام

یکی دیگر از روایات مرتبط با پیوند علی علیه السلام با فاطمه علیها السلام از عاصمی مکی (م: ۱۱۱۱هـ) به نقل

ام سلمه است که گفت: اگر علی آفریده نمی شد برای فاطمه همتایی نبود. (سمط النجوم العوالی ۱۴۱۹: ج ۳/ص ۶۷) قندوزی (م: ۱۲۹۴هـ) از طریق ابن عباس روایت کرد که رسول الله ﷺ فرمود: یا عم! بتو مژده می دهم که خداوند مرا به سید الوصیین علیؑ تایید کرد او را کفو دخترم فاطمه قرار داد. (ینابیع المودة ۱۴۱۶: ج ۲/ص ۶۸) هم چنین قندوزی از دیلمی همذانی روایت می کند که ام سلمه در نقلی از حضرت ﷺ فرمود: اگر علی آفریده نمی شد همسری در شأن فاطمه، نبود. (ینابیع المودة ۱۴۱۶: ج ۲/ص ۶۸) برخی منابع با تغییراتی حدیث را نقل کرده اند.

مثلاً: در کتاب فردوس الاخبار چاپ سال ۱۴۰۶هـ - تحقیق السعید بن بسیونی زغلول - فاطمه به «لنأطیه» تغییر یافته است و عاصمی مکی (م: ۱۱۱۱هـ) از فردوس دیلمی در مسند آورد: «لو لم یخلق علی ما کان لفاطمة کفو». (سمط النجوم العوالی ۱۴۱۹: ج ۳/ص ۶۸) که نسخه تحقیق (فوار احمد الزمرلی) آن را ضبط کرده است. (فردوس الاخبار ۱۴۰۶: ج ۳/ص ۴۱۸) ماوردی شافعی (م: ۴۵۰هـ) روایت می کند که پیامبر ﷺ دخترانش را تزویج کرد در حالی که برای آنها هم شآنی از بستگانش نبود زیرا آنها بنیاد شرافت اند که فاطمه را به علی تزویج کرد. (الحاوی الکبیر ۱۴۱۹: ج ۹/ص ۱۰۷) در باره ی روایات پیوند آسمانی فاطمه با علی علیهما السلام در برخی روایات تغییراتی آمده است مانند حذف بخشی از روایات یا ایجاد تشکیک در سند یا جابجایی در کلمات و غیره .. زیرا بیان حدیث پیوند آسمانی فاطمه و علی علیهما السلام برای شماری محدثان قابل تحمل نیست آنها با روش های فوق می کوشند بحث فضیلت ازدواج آسمانی حضرت علی و فاطمه در ارتباط با وحی مطرح نشود.

بدین ترتیب روایت های همسری در تحقق ازدواج حضرت علیؑ با فاطمهؑ به دستور امر آسمانی به نحو خاص می پردازند که حدیث ذریه یکی از وجوه آن پیوند ویژه شمرده می شود.

نتیجه

در بحث حدیث ازدواج حضرات علی و فاطمه (علیهما السلام) این یافته ها بدست آمد:

یک- امت اسلامی اتفاق دارند که اخبار صحیحی دلالت می کند: هنگامی که خواستگاران

قریشی غیرهاشمی به محضر رسول الله رسیدند و جهت وصلت، تقاضای خویشاوندی را مطرح کرده اند رسول الله صلی الله علیه و آله با سکوت و عدم اجابت و اعراض از آنها پاسخ منفی دادند.

دو- هم چنین ثابت گردید هنگامی که حضرت علی علیه السلام جهت خواستگاری فاطمه به محضر رسول الله صلی الله علیه و آله شرفیاب شدند و مسئله علاقمندی به فاطمه علیها السلام مطرح گردید رسول الله صلی الله علیه و آله با پیشنهاد دوستی وصلت خویشاوندی علی علیه السلام موافقت کردند.

سه - به اجماع مسلمین شیعه و سنی ثابت شد که ازدواج حضرت فاطمه با علی (علیهما السلام) عادی نبود بلکه رسول الله صلی الله علیه و آله اعلام فرمود: به مشورت آسمان انجام یافت. روایات منابع اهل سنت همچون مصادر حدیثی شیعه، به صحت سند و متن این پیوند آسمانی تأکید می نمایند.

دو پیشنهاد:

یک- نظر به مباحث ثابت گردید: روایات ازدواج آسمانی فاطمه و علی علیهما السلام امر اعتقادی مشترک مسلمین شمرده می شود می سزد که سیره حضرت فاطمه علیها السلام بعنوان مأخذ احکام شریعت بین زنان امت اسلامی تلقی گردد زیرا از جهت گواهی وحی در انتخاب زندگی فاطمه علیها السلام محال است منتخب خداوند مرتکب اشتباه شود از این جهت در مواردی که زنان مسلمان ها در باره ی شریعت اختلاف دارند بایستی سیره ی فقهی و سیاسی فاطمه علیها السلام محور مراجعه امت اسلامی قرار گیرد.

دو - تحقیق حاضر در مسئله ازدواج فاطمه و علی علیهما السلام پرداخت که ثابت شد با مشورت آسمانی انجام شده است اکنون، سایر بخش های زندگی فاطمه علیها السلام نیز در منابع اهل سنت نگریسته شود که نقش مشورت های وحی الهی چگونه است آیا این نقش مشورتی آسمانی تنها در مورد ازدواج انحصار یافته است یا فراگیر بوده عمومیت دارد؟ یافتن پاسخ های استدلالی برای چنین تحقیقات در آینده ضروری می نماید.

کتابنامه

-
- الآجری، أبی بکر محمد بن الحسین، الشریعة، الدكتور عبد الله بن عمر بن سلیمان الدمیجی، الرياض/السعودية، دارالوطن، ١٤٢٠ هـ.
- ابن الجوزی، أبی الفرج عبد الرحمن، التبصرة، مصطفى عبد الواحد، مصر- لبنان، دار الكتاب اللبناني، ١٣٩٠ هـ.
- ابن الجوزی، عبد الرحمن بن علی، العلل المتناهية فی الأحادیث الواهية، خليل الميس، بیروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٣ هـ.
- ابن الجوزی، عبد الرحمن بن علی بن محمد، المنتظم فی تاریخ الملوك والأمم، بیروت، دار صادر، ١٣٥٨ هـ.
- _____، الموضوعات، توفیق حمدان، بیروت، النشر: دار الكتب العلمية، ١٤١٥ هـ.
- ابن حجر الهیثمی، أحمد بن محمد بن علی، الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقه، عبد الرحمن بن عبد الله التركي - کامل محمد الخراط، لبنان، مؤسسة الرسالة، ١٤١٧ هـ.
- ابن حمدون، محمد بن الحسن بن محمد بن علی، التذكرة الحمدونية، إحسان عباس، بیروت، دار صادر، ١٩٩٦ م.
- ابن شاهین، جزء فضائل فاطمة، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا] .
- ابن عساکر، علی بن الحسن ابن هبة الله، تاریخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، بیروت، دار الفكر، ١٩٩٥ م.
- ابن المغازلی علی بن محمد بن محمد بن الطیب، مناقب علی بن أبی طالب عليه السلام [بی جا]، انتشارات سبط النبی عليه السلام ١٤٢٦ هـ.
- ابن ماکولا، علی بن هبة الله، الإكمال فی رفع الاریتاب عن المؤلف والمختلف فی الأسماء والکن، بیروت، ١٤١١ هـ.
- البخاری، محمد بن إسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دار طوق النجاة، ١٤٢٢ هـ.
- باجی، سلیمان بن خلف بن سعد أبو الولید، التعديل والتجريح , لمن خرج له البخاری فی الجامع

- الصحيح، د. أبو لبابة حسين، الرياض، دار اللواء للنشر والتوزيع، ١٤٠٦-١٩٨٦.
- البستي، أحمد بن محمد بن إبراهيم الخطابي، غريب الحديث، عبد الكريم إبراهيم العزباوي، مكة المكرمة، جامعة أم القرى، ١٤٠٢ هـ.
- البستي، محمد بن حيان بن أحمد بن أبي حاتم التميمي، المجروحين من المحدثين والضعفاء والمتروكين، محمود إبراهيم زايد، حلب، دار الوعي، ١٣٩٦ هـ.
- البغدادى، محمد بن أحمد بن إسماعيل، أمالي ابن سمعون، [بى جا]، [بى نا]، [بى تا].
- البلاذرى، أحمد بن يحيى بن جابر، أنساب الأشراف، [بى جا]، [بى نا]، [بى تا].
- التلمساني، محمد بن أبي بكر الانصارى، الجوهرة فى نسب النبى وأصحابه العشرة، [بى جا]، [بى نا]، [بى تا].
- الجزرى، عز الدين بن الأثير، أسد الغابة فى معرفة الصحابة، بيروت، دار إحياء التراث العربى، ١٤١٧ هـ.
- الجوينى، أبو إسحاق، نثر النبال بمعجم الرجال، أبو عمرو أحمد بن عطية الوكيل، مصر، دار ابن عباس، ١٤٣٣ هـ.
- الحنبل، عبد الحى بن أحمد بن محمد العكرى، شذرات الذهب فى أخبار من ذهب، عبد القادر الأرناؤوط، محمود الأرناؤوط، دار بن كثير - دمشق، ١٤٠٦ هـ.
- الحلبى، على بن برهان الدين، السيرة الحلبية فى سيرة الأمين المأمون، بيروت، دار المعرفة، ١٤٠٠ هـ.
- الديلمى، شيرويه بن شهردار، الفردوس بمأثور الخطاب، السعيد بن بسيونى زغلول، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٦ هـ.
- _____، فردوس الاخبار بمأثور الخطاب المخرج على كتاب الشهاب، فؤاد احمد الزمرلى، محمد المعتصم بالله البغدادى، بيروت، دار الكتاب العربى، ١٤٠٧ هـ.
- الذهبي، محمد بن أحمد، سير أعلام النبلاء، شعيب الأرناؤوط، محمد نعيم العرقسوسى، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤١٣ هـ.
- _____، الكاشف فى معرفة من له رواية فى الكتب الستة، محمد عوامة، جدة/ السعودية، دار القبلة للثقافة الإسلامية، مؤسسة علو، ١٤١٣ - ١٩٩٢ م.

١٥٢ □ دو فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات علوم حدیث، سال یازدهم، شماره ١٤ بهار و تابستان ١٤٠٢

- الذهبی، شمس الدین محمد بن أحمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود بیروت، دار الکتب العلمیة، ١٩٩٥ هـ.
- الزهری، محمد بن سعد بن منیع، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، [بی تا].
- السخاوی، محمد بن عبد الرحمن بن محمد، المقاصد الحسنة فی بیان کثیر من الأحادیث المشتهرة علی الألسنة، محمد عثمان الخشت، بیروت، دار الکتب العربی، ١٤٠٥ هـ.
- السمعانی، عبد الکریم بن محمد ابن منصور التمیمی، عبد الله عمر البارودی، الأنساب، بیروت، دار الفکر، ١٩٩٨ م.
- السیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، جامع الاحادیث (الجامع الصغیر وزوائده والجامع الکبیر)، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
- _____، الحاوی للفتاوی فی الفقه وعلوم التفسیر والحديث والاصول والنحو والاعراب وسائر الفنون، عبد اللطیف حسن عبد الرحمن، بیروت / لبنان، دار الکتب العلمیة، ١٤٢١ هـ.
- _____، اللآلیء المصنوعة فی الأحادیث الموضوعة، أبوعبد الرحمن صلاح بن محمد بن عویضة، بیروت، دار الکتب العلمیة، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م.
- الشوکانی، محمد بن علی بن محمد، الفوائد المجموعة فی الأحادیث الموضوعة، عبد الرحمن یحیی المعلمی، بیروت، المکتب الإسلامی، ١٤٠٧ هـ.
- الشیبانی، أحمد بن حنبل أبو عبد الله، فضائل الصحابة، وصی الله محمد عباس، بیروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٣ هـ.
- الصفوری، عبد الرحمن بن عبد السلام بن عبد الرحمن بن عثمان، نزهة المجالس ومنتخب النفائس، عبد الرحیم ماردینی، بیروت / دمشق، دار المحبة/ دار آية، ٢٠٠١ / ٢٠٠٢ م.
- الصيداوی، محمد بن أحمد بن جمیع، معجم الشيوخ، عمر عبد السلام تدمری، بیروت، طرابلس، مؤسسة الرسالة، دار الإیمان، ١٤٠٥ هـ.
- الطبری، محب الدین أحمد بن عبد الله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، مصر، دار الکتب المصریة، [بی تا].
- الطبرانی، سلیمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم، المعجم الکبیر، حمدی بن عبدالمجید السلفی، الموصل، مکتبة الزهراء، ١٤٠٤ هـ.

_____ المعجم الكبير، سعد بن عبد الله الحميد، وخالد بن عبد الرحمن الجريسي، القاهرة، مكتبة ابن تيمية، [بى تا].

طرابلسي، إبراهيم بن محمد بن سبط ابن العجمي، الكشف الحثيث عن رمى بوضع الحديث، صبحي السامرائي، بيروت، عالم الكتب، مكتبة النهضة العربية، ١٤٠٧ - ١٩٨٧ م.
العاصمي المكي، عبد الملك بن حسين بن عبد الملك الشافعي، سمط النجوم العوالي في أنباء الأوائل والتوالي، عادل أحمد عبد الموجود- علي محمد معوض، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٩ هـ.

عبدالبر، يوسف بن عبد الله النمري، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، علي محمد البجاوي، بيروت، دارالجيل، ١٤١٢ هـ.

العجلوني الجراحي، إسماعيل بن محمد، كشف الخفاء ومزيل الإلباس عما اشتهر من الأحاديث على ألسنة الناس، أحمد القلاش، يروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٥ هـ.
العسقلاني، أحمد بن علي بن حجر، الإصابة في تمييز الصحابة، علي محمد البجاوي، بيروت، دار الجيل، ١٤١٢ هـ.

_____ تهذيب التهذيب، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٤ هـ.

_____، فتح الباري شرح صحيح البخاري، محب الدين الخطيب، بيروت، دار المعرفة، [بى تا]

_____ لسان الميزان، دائرة المعارف النظامية- الهند، بيروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ١٤٠٦ هـ.

_____ هدى الساري مقدمة فتح الباري شرح صحيح البخاري، محمد فؤاد عبد الباقي، محب الدين الخطيب، بيروت، دار المعرفة، ١٣٧٩ هـ.

العقيلي، محمد بن عمر بن موسى، الضعفاء الكبير، عبد المعطى أمين قلجى، بيروت، دار المكتبة العلمية، ١٤٠٤ هـ - ١٩٨٤ م.

العسكري، الحسن بن عبد الله بن سهل، الأوائل، [بى جا]، [بى نا]، [بى تا].

العكرى، عبد الحى بن أحمد، شذرات الذهب في أخبار من ذهب، عبد القادر الأرناؤوط، محمود الأرناؤوط، دمشق، دار بن كثير، ١٤٠٦ هـ.

١٥٤ □ دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات علوم حدیث، سال یازدهم، شماره ١٤ بهار و تابستان ١٤٠٢

القاری، علی بن سلطان محمد، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، جمال عیتانی، لبنان/ بیروت، دار الکتب العلمیة، ١٤٢٢هـ - ٢٠٠١م.

القلشقندی، محمد بن عبد الله الأکراوی، اتحاف السائل بما لفاطمة من المناقب والفضائل، محمد کاظم الموسوی، تهران، ناشرالمجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیه، ١٤٢٧هـ - القندوزی، سلیمان، ینایع المودة لذوی القربی، سید علی جمال أشرف الحسینی، ایران، دار الأسوة للطباعة والنشر، ١٤١٦هـ.

القنّوجی، محمد صديق خان بن حسن، الروضة الندية، علی حسین الحلبي، القاهرة، دار ابن عفان، ١٩٩٩م.

الکنانی، علی بن محمد، تنزيه الشريعة المرفوعة عن الأخبار الشنيعة الموضوعة، عبد الوهاب عبد اللطيف، عبد الله محمد الصديق الغماری، بیروت دار الکتب العلمیة، ١٣٩٩ هـ.

الماوردي، علی بن محمد بن محمد، الحاوی الكبير فی فقه مذهب الإمام الشافعی، الشيخ علی محمد معوض - الشيخ عادل أحمد عبد الموجود، بیروت، ١٤١٩ هـ.

المدائنی، عزالدین بن هبة الله بن محمد بن أبی الحديد، شرح نهج البلاغة، محمد عبدالكريم النمری، بیروت، دار الکتب العلمیة، ١٤١٨هـ.

المناوی، محمد عبد الرؤوف، سيدة نساء أهل الجنة فاطمة الزهراء أو اتحاف السائل بما لفاطمة من المناقب، علی أحمد عبد العال الطهطاوی، بیروت/ لبنان، دار الکتب العلمیة، ١٤٢٣هـ.

النووی، محیی الدین یحیی بن شرف، التقريب والتيسير لمعرفة سنن البشير النذير فی أصول الحديث، محمد عثمان الخشت، بیروت، دار الكتاب العربی، ١٤٠٥ هـ.

_____ تهذيب الأسماء واللغات، مكتب البحوث والدراسات، بیروت، دار الفكر، ١٩٩٦.

_____ المجموع، بیروت، [بی نا]، ١٩٩٧ م.

النيسابوري، محمد بن عبد الله أبو عبد الله الحاكم، المستدرک علی الصحيحین، مصطفى عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ١٤١١هـ - ١٩٩٠م.

النيسابوري، مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري، صحيح مسلم، محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، [بی تا].

حديث ازدواج آسماني فاطمه و علي عليهما السلام در منابع اهل سنت □ ١٥٥

الوصابي، نور الدين بن علي، تحفة اللبيب بمن تكلم فيهم الحافظ ابن حجر من الرواة في غير «التقريب»، محمد بن عبد الله الإمام، جمهورية مصر العربية، مكتبة ابن عباس، ١٤٣١ هـ.

الهندي، علاء الدين علي المتقي بن حسام الدين، كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، محمود عمر الدمياطي، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٩ هـ.

الهيتمي، أحمد بن محمد بن علي بن حجر، الإفصاح عن أحاديث النكاح، محمد شكور أمير الميادين، الأردن، دار عمار، ١٤٠٦ هـ.

الهيتمي، علي بن أبي بكر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، القاهرة/ بيروت، دار الريان للتراث/ دار الكتاب العربي، ١٤٠٧ هـ.

_____ موارد الظمان إلى زوائد ابن حبان، محمد عبد الرزاق حمزة، بيروت، [بي تا].

